

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

- واکاوی قصاص به عنوان سیاست جنایی سرکوبگرانه اسلام / سید محمد حسینی دره صوفی
- واکاوی سیاست اجرایی اسلام در جرم سرقت / سید علی شاه احمدی
- ظرفیت فقه در تولید قدرت نرم / غلام رضا حسینی
- عدم بطلان اجاره در صورت فوت یکی از متواجریین / سید رضی قادری
- مقایسه تجسم اعمال در اندیشه مولوی و ملاصدرا / محمدرسول احمدی
- وظایف مرد در برابر همسر از نگاه قرآن و روایات / سید مهدی نقوی
- ارتباط با امام زمان (عج) در عصر غیبت / سید اسدالله حسینی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسٹ: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰،۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهرقائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۵. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی
العالمیه. قم.

غلام رضا حسنی^۱

چکیده

یکی از موضوعات که جدیداً در محافل علمی و سیاسی مطرح شده است، اصطلاح قدرت نرم است. خواستگاه عمده و اساسی این قدرت، مراکز علمی مانند دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و... می‌باشد. زیرا، در جهان امروز علم و دانش از ابزارهای اصلی تولید قدرت نرم است. کشوری اگر می‌خواهد توان فرهنگی و علمی خود را افزایش دهد، ضرورت دارد جنبش نرم‌افزاری را در مراکز علمی ایجاد کند. در این میان فقه اسلامی که در حوزه‌های علمیه قدمت هزار ساله دارد، و در طول این ادوار تاریخی، نقش‌های بسیار عمده‌ای را در زمینه‌های مختلف، ایفاء نموده است، و فقهای اسلامی، در هر برهه از تاریخ، بر اساس مقتضیات زمان، وارد عرصه شده و پاسخگو به مسائل و نیازهای موجود در میان جامعه بوده است. حال سؤال این است که فقه اسلامی و شیعی، در عصر حاضر، چه نقش در تولید قدرت نرم دارد، و ظرفیت آن، در تولید قدرت نرم چیست؟ از این رو، این مقاله در صدد بررسی و پاسخ به این مسئله (ظرفیت فقه در تولید قدرت نرم) می‌باشد و آن را ثابت نموده است.

واژگان کلیدی: فقه اسلامی، ظرفیت، قدرت، قدرت نرم.

۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه، دانشجوی دکتری قرآن و علوم با گرایش تربیتی. قم، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی وابسته به جامعه المصطفی. rezahasan644@gmail.com

۱. مقدمه

با تغییر و تحولاتی که در عرصه‌ی ارتباطی و فن آوری روی داده است، ماهیت قدرت به نسبت ادوار پیشین تغییر اساسی یافته است. به عبارتی، در حال حاضر قدرت کشورها، به یکی از مفاهیم اساسی در حوزه تأثیر گذار دولتها و ملتها، به نام قدرت نرم تبدیل شده است. در این حوزه، دولتها با ایجاد تغییرات ژرف و تدریجی باور و اعتقاد ملتها را، به تسخیر خود در می‌آورند. استراتژی در جنگ نرم، القاء و در نهایت امتناع مخاطب است. در تهدید نرم بر خلاف جنگ سخت، طیف وسیعی از جامعه در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد حمله قرار می‌گیرند. لذا در شرایط کنونی حفظ و گسترش قدرت نرم از اهداف راهبردی کشورهاست، و برآند تا با بهره‌گیری از آن، جایگاه و موقعیت خود را در نظام بین الملل ارتقاء بخشند. در این عرصه، فقه اسلامی از جایگاه و موقعیت برجسته‌ای برخوردار هستند، حوزه‌های علمیه به عنوان یکی از سازمان‌های تولید کننده قدرت نرم می‌تواند نقش متمایزی در مقابله به تهدیدات نرم دشمنان که امروز از آن به ناتوی فرهنگی تعبیر می‌شود داشته باشد. فقه اسلامی ضمن ارتقاء خودباوری دینی و ملی می‌تواند، با افزایش تولید دانش، استقلال و آزادی کشور، باورها و اعتقادات دینی مردم را که مهمترین هدف طراحان جنگ نرم است حفظ نماید. ظرفیت‌های موجود در فقه شیعه فرصت‌های ذی‌قیمتی را به دست می‌دهد تا در فرایند ساخت نظام جامع تربیتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره اقدام شود. توان فقه، پرداختن به مسائلی فراتر از فقه فردی و فرعی است. اتکای فقه شیعه بر منابع عقلانی و وحیانی، ظرفیت سازندگی و فعال بودن فقه، برنامه ریز و پیشرو بودن فقه شیعه، وجود برخی ظرفیتهای درونی نظیر عناوین ثانویه، وجود انعطاف قابل توجه و بهره‌گیری از سیره‌ی عقلا از ظرفیت‌های مهم فقه شیعه است.

بر اساس این ظرفیتهای راهکارهایی برای نظام‌سازی بر اساس فقه تربیتی، اقتصادی سیاسی و غیره می‌رسیم، تا در جهت ایجاد نظام جامع فردی و اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. از جمله راهکارها مفهوم‌شناسی و موضوع‌شناسی در

عرصه فقه، استخراج و به کارگیری قواعد فقهی در عرصه‌های مختلف و توجه کافی به نقش زمان و مکان در اجتهاد و موارد دیگر بوده است. سه رکن اساسی ظرفیت درونی فقه اسلامی، نقش زمان و مکان در شکل‌گیری این تحولات جدید عناصر مهمی‌اند تا بر اساس به کارگیری دستگاه اجتهاد به جوابگویی به سئوالات اقدام کنند. و در سایه این تحولات است که ساخت نظام جامع صورت می‌گیرد. ما در این نوشتار درصدد بررسی ظرفیت‌های فقه در تولید قدرت نرم هستیم و تا جایی که امکان دارد این موضوع را از جهات متعدد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. مفهوم‌شناسی

الف- فقه: واژه فقه، در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است (جوهری ۱۴۲۸، فیروز آبادی، ۱۴۲۹، ابراهیم مصطفی، ۱۴۲۶، واژه فقه) راغب در مفردات، آن را به پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده است (راغب، واژه فقه). کلمه فقه، در قرآن کریم، به معنای تدبّر، تعمق و فهم عمیق به کار رفته است. چنان که در سوره مبارکه توبه می‌فرماید: *فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ* توبه/۱۲۲) چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند، تا در دین (معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند. و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟ شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند.

فقها در تعریف فقه، به معنای خاص گفته‌اند: *الْفِقْهُ فِي اللُّغَةِ الْفَهْمُ وَ فِي الْإِصْطِلَاحِ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفَرَعِيَّةِ عَنْ ادِّلتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ* (صاحب معالم، ۱۳۶۴، ۲۲) فقه در لغت، به معنای فهمیدن است و در اصطلاح، عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیل‌های تفصیلی آن‌ها. در این تعریف، با عبارت (الاحکام الشَّرْعِيَّة) در تعریف مزبور، احکام عقلی از قبیل فلسفه و مانند آن، و با کلمه (الفرعیة) اصول دین و مسائل اعتقادی اسلام و با جمله (عن ادلتها التفصیلیة) علم غیر مجتهد را از محدوده (فقه) خارج می‌کنند. از این رو، (مقلد) را نمی‌توان (فقیه) نامید، اگر چه به همه فتاوی مجتهد خود عالم باشد؛ زیرا علم او از روی ادله تفصیلی نیست، بلکه

از روی تقلید است.

ب- قدرت نرم: قدرت نرم، عبارت است از تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع. و یا توانایی کسب چیزی به طریق جذب به جای اجبار (نایینی، ۱۳۹۱، ۷۱)

۳. اقسام قدرت

قدرت بر اساس معیار شدت و صلابت که دارد، به سه نوع تقسیم می شود: ۱- قدرت سخت ۲- قدرت نیمه سخت ۳- قدرت نرم (الماسی ۱۳۸۸، ۱۵۰)

۱-۳. قدرت سخت (Hard Power)

قدرت سخت زمانی موضوعیت می یابد که استقلال و تمامیت ارضی کشور، در خطر (بالفعل و بالقوه) هجوم نیروهای نظامی کشور دیگر، یا اتحادی از کشورهای خارجی یا گروه های معارض مسلح داخلی قرار گیرد. در این فرایند معمولاً هدف، اشغال و یا جلوگیری از اشغال سرزمین و کشوری است. اقدام های مبتنی بر قدرت سخت متکی به روش های فیزیکی و عینی همراه با رفتارهای خشونت آمیز، براندازی و یا ضد براندازی آشکار و نیز حذف دفعی است. (کلیدی، www.psyop.ir)

بنا بر این، قدرت سخت همان طور که از اسم آن می توان دریافت، ناظر بر قدرت نظامی و توان نظامی است. موضوعی به نام خشونت، عنصر اساسی آن است. از طریق اعمال قدرت سخت است که شخص یا کشور خاصی را مجبور به انجام دادن کاری می کنند. این نوع قدرت معمولاً زمانی استفاده می شود که کشوری بخواهد کشور و سرزمینی دیگر را به تصرف خود در آورد. (حسینی، www.irdc)

۲-۳. قدرت نیمه سخت (Semi Hard Power)

قدرت نیمه سخت به لحاظ مفهومی در میان دو مفهوم بیان شده قبلی، یعنی جنگ نرم و جنگ سخت، قرار دارد. به همین دلیل این قدرت دارای مولفه های مشترکی با هر یک از دو قدرت معرفی شده قبلی است. قدرت نیمه سخت مانند قدرت سخت می تواند، از اعمالی مانند تهدید و ارعاب، اجبار و تشویق برای اجرای

منویات خود کمک بگیرد، اما بر خلاف ماهیت قدرت سخت و در همسویی با قدرت نرم این اعمال را بدون یاری گرفتن از خشونت ممکن می‌داند. بدین لحاظ می‌توان گفت این نوع قدرت اگرچه دارای ماهیتی جداگانه است. (کلیدی، www.psyop.ir) برخی نیز قدرت نیمه سخت را تنها بر قدرت اقتصادی اطلاق کرده است (الماسی، ۱۳۸۸، ۱۵۰)

البته ساز و کار قدرت نیمه سخت از طریق تشویق و تنبیه است. حوزه‌ی کاری این نوع قدرت متنوع است و مشتمل بر حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و.. می‌شود. از طریق به کارگیری قدرت نیمه سخت می‌توان با استفاده از اعضای یک کشور، دولتی دست نشانده در آن کشور به وجود آورده و از این طریق بر دولت و بازار و ارکان مهم آن جامعه تسلط پیدا کرد. یعنی علاوه بر تسلط سیاسی بر کشورها، در تسلط بر بازارها و شریان‌های اقتصادی کشورهای هدف نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. (حسینی، www.irdc)

۳-۳. قدرت نرم (Soft Power)

مفهوم قدرت نرم مقابل مفهوم قدرت سخت قرار دارد. در میان اندیشمندان حوزه قدرت و امنیت ملی، جوزف نای، به عنوان بنیانگذار مفهوم جنگ نرم شهرت یافته است. او قدرت نرم را شیوه‌ای برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس می‌داند بر این پایه یک کشور و حاکمیت می‌تواند به مقاصد مورد نظر خود برسد چون کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند و تحت تاثیر پیشرفت و اندیشه آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم، مهم‌ترین مسئله، تنظیم دستور العملی برای جذب دیگران است. بنابر این قدرت نرم، کسب آنچه می‌خواهید از طریق جذب کردن نه از طریق اجبار و یا پاداش است.

با توجه به آنچه در مورد قدرت نرم گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که منازعه نرم (Soft Conflict) به شیوه‌ای اطلاق می‌گردد که بر اساس قواعد آن، قلب و مغز مردم کشور هدف، به تصرف نیروی مقابل در می‌آید، و آن‌گاه کسانی که قلب و مغزشان

تسخیر شد در راستای اهداف دشمن خود عمل خواهند کرد. باید دانست که شیوه تسلط بر قلب‌ها از راه ارضاء بر مبنای اصالت لذت و کنترل افکار از راه اقتناع بر پایه اصالت منفعت ممکن است. این بدان معنی است که رضایت افراد از چیزی، موجب زمینه سازی تصرف قلب آنان و قانع کردن افراد در هر زمینه‌ای، منجر به سیادت بر تفکر آن‌ها خواهد شد. (کلیدی، www.psyop.ir)

آن چه از محتوای کلمات متفکر و بنیانگذار قدرت نرم، آقای جوزف نای، بر می‌آید، این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی است. و قدرت نرم، تأثیر گذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بردیگران و... می‌باشد. به طوری که امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است به کار می‌رود. بنابراین می‌توان گفت: قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقتناع است؛ در حالی که چهره خشن و سخت قدرت از نوع وادار و اجبار کردن است. جوزف نای در کتاب «کاربرد قدرت نرم» بر این عقیده است که: قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است. و زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد، که بتواند (اطلاعات و دانایی) را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد، و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آن‌ها امتیاز گیرد (نای، ۱۳۸۲، ۱۰۰) هم چنین قدرت نرم، مباحث عقلانی و ارزش‌های عمومی را شامل می‌شود و هدف آن، افکار عمومی خارج و سپس داخل است. از این رو می‌توان گفت: قدرت نرم، رفتار توأم با جذابیت قابل رؤیت، اما غیر محسوس است. چه در قدرت نرم و یا قدرت فرهنگی، بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و همه خواست‌ها سود می‌جوید. از این چشم‌انداز، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی، به صورت غیر مستقیم بر منابع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین به نظر نای، قدرت نرم (قدرت فرهنگی) زمانی اعمال می‌شود که یک کشور، سایر کشورها را وادار

چیزی را بخواهد که خود می‌خواهد. توانایی تأثیرگذاری به آن چه دیگر کشورها می‌خواهند، با منابع نامحسوس مثل فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها ارتباط دارد. (شیلر، ۱۳۷۷، ۱۰۰)

۴. ویژگیها و ظرفیت‌های قدرت نرم

قدرت نرم معمولا در سه زمینه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. اگر کشوری بتواند در امور فوق پیشرفت داشته باشد، او در واقع تولید قدرت نرم کرده است، و از این طریق بقیه کشورها را تحت تأثیر و نفوذ و سیطره خود قرار خواهد داد. البته امور فوق را برخی از نویسندگان و محققان قدرت نرم به شکل‌های دیگر نیز بیان نموده‌اند که برگشت آن‌ها به سه ویژگی فوق می‌باشد که در ذیل به برخی از این ویژگیها و ظرفیت‌ها بطور مختصر اشاره می‌شود:

۴-۱. سنتی بودن

یکی از ظرفیت‌های قدرت نرم، سنتی بودن آن است. یعنی، قدرت نرم به عنوان عمیق‌ترین و قدیمی‌ترین منبع قدرت فرهنگی از طریق یک تکامل طولانی تاریخی واقعیت می‌یابد، قدمت دیرینه‌ی به طول تاریخ بشریت دارد. سبک تفکر، ایدئولوژی، سنت‌های فرهنگی، آداب قومی، نظام اجتماعی، رژیم اقتصادی، نحوه زندگی و سایر مسائل یک جامعه نتایج انباشتی تطور شکل‌های مختلف تولید فرهنگ یک اجتماع هستند، که در طول تاریخ، در میان اقوام مختلف وجود داشته است. امروزه، از فرهنگ به منزله مهم‌ترین منبع قدرت نرم نام برده می‌شود (پورااحمدی، ۱۳۸۹، ۳۰۶). قدرت نرم که گاهی آن را قدرت عقیدتی می‌نامند، بر فرهنگ و ارزش‌های اقوام و ملل تکیه دارد (اصغریان کاری، ۱۳۸۹، ۳۲) و در چنین فرایندی است که هر یک از عناصر قدرت نرم همواره تحت تأثیر سنت‌های فرهنگی قرار داشته و توسعه هر فرهنگ خط سیر متمایز خود را می‌یابد.

۲-۴. بهنگام بودن

ظرفیت دیگر قدرت نرم بهنگام بودن آن است. قدرت نرم امری غیر ملموس است، که با جامعه داخلی و بین المللی ارتباط تنگاتنگ دارد. به باور جوزف نای، نظریه پرداز قدرت نرم، ارزش های مثبت سیاسی یک کشور در بعد داخلی و خارجی می تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. در بعد داخلی، پاسخ گو بودن به مردم، رعایت اخلاق و اجرای عدالت، همگی از ارزش های مثبت یک حکومت است. در عرصه خارجی، هر حکومتی که میزان تعاملات و مناسباتش در عرصه بین الملل و منطقه با نهادهای دیگر سنجیده تر و همگرا تر باشد و اختلاف ها را به حداقل برساند و به معاهدات بین المللی پایبند باشد، قدرت نرم آن افزایش می یابد؛ زیرا موجب جلب اعتماد دیگران و نشان دادن برآیند مثبت از چهره یک کشور می شود و این امر امروزه در بعد سیاست خارجی، منجر به جذب دیگران و افزایش قدرت و نفوذ یک کشور می شود (بیکی، ۱۳۸۹، ۶۱-۵۹). تنها قدرت نرمی که نماینده جریان اصلی دوره های زمانی است به طور دائمی توسعه می یابد. به ویژه در جوامع مدرن، قدرت نرم روابط نزدیکی با پیشرفت علمی و تکنولوژیک، جامعه اطلاعاتی و اقتصادی دانش محور دارد. قدرت نرم با ابداع پایان ناپذیر ابزارهای متنوع جدید در جامعه بین المللی تقویت می شود. افزایش تکنولوژی اطلاعات رسانه های گروهی را به ابزارهای پویا و با نفوذ مبدل می سازد. همان طور که رسانه های جمعی پیشرفته به جامعه بین المللی راه می یابند، تأثیر آن ها بر روابط بین الملل به طرز چشمگیری افزایش یافته و به یک عیار مهم قدرت مهم تبدیل می شود.

۳-۴. فراگیر بودن

یکی از ظرفیت های دیگر قدرت نرم فراگیر بودن و جامع بودن آن است. قدرت نرم جهت دهنده ذهن و رفتار انسان ها، در همه حوزه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. قدرت نرم که از آن به فرهنگ تعبیر می شود، بیانگر شخصیت و هویت یک کشور است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۷۴). می توان گفت، که نظم اجتماعی از طریق فرهنگ ساخته یا بازتولید می شود و یا مورد مخالفت

قرار می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۴، ۴۴). همراه با جریان فزاینده انقلاب اطلاعات و توسعه فرهنگ اینترنتی، قدرت نرم به ورای محدودیت‌های مرزهای جغرافیایی، قومی، ملی، زمان و مکان راه پیدا می‌کند. این پدیده، پیشرفت جامعه را تقویت می‌کند و به طرز شگفت‌آوری بر سبک زندگی و استانداردهای رفتاری انسان‌ها تأثیر می‌گذارد.

انعطاف‌پذیری: قدرت نرم یک پدیدار ایستا نیست بلکه فرایندی پویاست، این پدیده یک سیستم متغیر عظیم است که در آن شکل و تحول قدرت به حرکت متباین مؤلفه‌های متفاوت بستگی دارد. دیپلماسی عمومی که یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم است (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸، ۴۱) و هدف آن جذب قلوب و افکار دیگران می‌باشد، اخلاقی‌تر و انعطاف‌پذیرتر است (خانی، ۱۳۸۲، ۱۳۷) زیرا قدرت اخلاقی، فرهنگی و آموزشی که در واقع همان قدرت نرم است، دوره زمانی کوتاه‌تری را طلب می‌کند و از این رو قابلیت تغییرپذیری بیشتری دارند.

وابستگی متقابل: قدرت نرم و سخت در وابستگی متقابل به یکدیگر بسر می‌برند. هر کشوری باید در ساخت قدرت ملی جامعه خود هر دو آن‌ها را توسعه دهد. یک کشور می‌بایست همزمان با افزایش قدرت مادی، قدرت معنوی خود را نیز تقویت کند. اگر توسعه قدرت نرم مورد غفلت قرار گیرد، برای قدرت سخت نیز دشوار خواهد بود که توسعه پایدار خود را حفظ نماید. با این وجود، در حالی که قدرت نرم به رسانه‌های مهم نیاز دارد، بسیاری از محصولات مادی محتوای فرهنگی غنی دارند، اطلاعات فرهنگی گسترده‌ای ارائه می‌دهند و در عمل یک نقش معنوی ایفا می‌کنند. از این رو قدرت‌های نرم و سخت با یکدیگر در ارتباطند و در یک فرایند تکمیلی همدیگر را هم تقویت می‌کند. حال با توجه به این ویژگیها و ظرفیت‌های پنج‌گانه‌ی که قدرت نرم دارد، اگر کشور و ملت دارای این قدرت نرم باشد، بر قلوب و افکار دیگران سیطره پیدا می‌کند، و آن‌ها را معذب‌وب خود می‌کند، کشورها تسخیر و بر آن‌ها حکم رانی می‌کند.

۵. ظرفیت فقه در تولید قدرت نرم

حال با توجه به ویژگیها، مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های که برای قدرت نرم بیان شد، فقه

اسلامی با آن منبع غنی و سرشار الهی که دارد، علاوه بر ویژگیها و ظرفیت که در قدرت نرم وجود دارد از ویژگیها و ظرفیت‌های بیشتری نیز برخوردار است که قطعا باعث تولید قدرت نرم بیشتر در حوزه‌های مختلف می‌گردد.

قدمت، فقه سنتی به عنوان فرهنگ گران بهای شیعه، از قدمت بیش از هزار ساله برخوردار است. این فقه اولاً در کلمات پیامبر اکرم و بعد از آن در کلمات حضرات معصومین علیهم السلام بیان شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن به عنوان ستون دین یاد می‌کند: *إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةً وَ دَعَامَةَ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهَ* (پابنده، ۱۳۸۲، ۳۳۳) برای هر چیزی ستونی است و ستون این دین فقه است. و در دوران ائمه نیز مورد توجه امامان شیعه بوده است و از زمان امام باقر علیه السلام به بعد حوزه فقهی شیعه دایر بود و فقیهان چون محمد ابن مسلم و زراره و... پرورش یافته است. و در عصر غیبت از زمان شیخ طوسی تاکنون، فقه سنتی شیعه، به عنوان سکان دار فرهنگ دینی شیعه مورد توجه فقها و مسلمانان قرار گرفته است، تا جای که برخی از فقها تخلف از فقه سنتی را جایز نمی‌دانند امام راحل (ره) را جمع به فقه سنتی چنین می‌فرماید: این جانب معتقد به فقه سنتی و جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم (خمینی، ۱۳۷۶، ۱۹۷).

۵-۱. فراگیر بودن فقه

امام راحل قدس سره، فقه شیعه را زنده، پویا، جامع و کامل، جهان شمول و جوابگوی نیازهای بشریت برای ابدیت می‌دانست و بر این باور بود که منابع فقه اسلام به واسطه ریشه داشتن در وحی، جاودانه است. و به عقیده امام خمینی (ره) فقه (تنوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است و هدف اساسی این است که ما چگونه می‌توانیم برای معضلات جامعه جواب داشته باشیم) (خمینی، ۱۳۸۱، ۱۲، ۲۹۰) ایشان در جواب نامه یکی از فضلاء حوزه که فقه را جهان شمول و فراگیر نمدانسیست می‌نویسد: ... بالجمله آن گونه که جناب عالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید بکلی باید از بین برود و مردم، کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند (خمینی، ج ۲۱، ۳۴). و برخی دیگر از فقها در مورد فراگیر بودن و جامعیت فقه می‌فرماید:

نگاهی گذرا به موضوعات متفاوت و متنوع فقه اسلامی، جامعیت و شمول آن را نسبت به دو حوزه فرد و اجتماع به اثبات می‌رساند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۸۰)

۲-۵. انعطاف‌پذیر بودن فقه

در فقه شیعه وجود برخی ظرفیتهای درونی نظیر عناوین ثانویه مانند تقدیم اهم بر مهم و بحث شرایط زمان و مکان موجب شده است که فقه بتواند نسبت به شرایط موجود انعطاف قابل توجهی داشته باشد. یکی از موارد انعطاف‌پذیر بودن فقه نقش زمان و مکان در استنباط حکم است. برخی از فقها، فتوای میرزایی شیرازی را در مورد تحریم تنباکو، که حکم اولیه آن اباحه است، از باب احکام ثانویه و تقدیم اهم بر مهم می‌داند می‌گوید: وقتی فقیهی چون میرزای شیرازی اباحه شرب تنباکو را به حرمت شرب آن تبدیل می‌کند غیر از این است که چون حکم اباحه را با حکم «وجوب حفظ کیان اسلام و مسلمین» و یا «وجوب حفظ عزت اسلام و مسلمین» و یا «وجوب منع از استیلاي کفار»، متزاحم دیدند یعنی در راستای عمل به این عناوین، فتوای حرمت شرب تنباکو را صادر کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۲۲۵) امام راحل در این نقش زمان و مکان می‌فرماید: زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند، مسأله‌ای در قدیم دارای حکمی بوده به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد يك نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی را می‌طلبد (خمینی، ۱۳۷۶، ۱۹۷). علاوه بر ویژگیها و ظرفیت‌های فوق که بیان شد، فقه شیعه ظرفیت‌های فراوان دیگر نیز دارد به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۳-۵. فقه و مسائل داخلی (اجتماعی)

مقصود از مسائل داخلی، اصول و احکام مربوط به داخل جامعه اسلامی و در ارتباط آحاد جامعه اسلامی با یکدیگر از یک سو، و با حکومت از سوی دیگر است. همچنین اجرای احکام و برقراری نظم و انضباط اجتماعی و... از جمله اصول

سیاست داخلی است. (سبزواری، ۱۳۹۰، ۱۶۸) نقش و تأثیر فقه در سیاست داخلی تأثیری همه جانبه است. فقه از طریق برشماری وظایف هر کدام از طرفین (حکومت و ملت) و نیز تنظیم قوانین و مقررات اجتماعی و الزام مکلفین به رعایت و اجرای آن‌ها، چارچوب سیاست داخلی را تشکیل می‌دهد. پرداختن به ریز امور سیاسی و اجتماعی و نیز نقش حاکم و حکومت در امور خرد و کلان جامعه، نشان از اهتمام فقه به سیاست داخلی جامعه اسلامی است. سیره امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در طول پنج سال حکومت پربرکت و افتخار آفرین خود، و عهد نامه‌ها و فرامین حکومتی آن حضرت به والیان و فرمانداران و مدیران امور کشور، بویژه نامه معروف آن حضرت به مالک اشتر نخعی (نامه ۵۳) و دیگر یاران، بهترین مدرک برای تنظیم روابط حکومت و ملت است. حضرت در مورد حقوق حاکم و رعیت می‌فرماید: *أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بَوْلَايَةَ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنْ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ... لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ.* (خطبه ۲۱۶) یعنی خداوند سبحان برای من، بر شما به جهت سرپرستی و حاکمیت، حقی قرار داده است و برای شما نیز همانند حق من، حقی تعیین فرموده است... کسی را بر دیگری حقی نیست مگر اینکه او نیز بر این شخص حقی دارد و آن دیگری را بر این شخص حقی نیست مگر این که این شخص هم بر او حقی دارد. و در مورد اداره حکومت و گرفتن مالیات به والی خود مالک اشتر می‌فرماید: و در گرفتن مالیات، مصلحت خراج دهندگان را مراعات کن که رعایت مصلحت خراج و خراج دهنده به مصلحت دیگران است و دیگران جز به اینان به صلاح نمی‌رسد. (نامه ۵۳).

ابواب و مسائل فقهی در کتاب‌های فقهی ما از قبیل نمازهای جمعه و جماعات، خمس و زکات، امر به معروف و نهی از منکر و... امور است که حاکی از اهتمام فقه اسلامی به سیاست داخلی و امور اجتماعی جامعه می‌باشد.

فقه‌های عظام تقلید، بعد از پیروزی جمهوری اسلامی در ایران عموماً، رعایت مقررات جمهوری اسلامی ایران را که برای نظم اجتماعی وضع شده است لازم می‌دانند، تعدی و تخلف از آن را شرعاً حرام می‌دانند (خمینی، ۱۴۲۲، ۳، ۴۹۳، لنگرانی،

۱۴۲۸، ۲، ۲۹۳، صافی، ۱۴۱۷، ۲، ۱۱۰، مکارم، ۱۴۲۷، ۳، ۵۶۴) وقتی مقررات و قوانین که حکومت وضع کرده است، توسط افراد همان جامعه، اعم از مسؤلان و شهروندان بخوبی اجرا شوند، و افراد خود را در قبال آن مسؤل بدانند، این قطعاً حاکی از روابط خوبی و شایسته‌ی دولت و مردم است. بنا براین، فقه اسلامی در سیاست داخلی و مقررات اجتماعی، نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کند. و تأثیر که در تنظیم مقررات اجتماعی و روابط بین دولت و ملت می‌گذارد از تأثیر هر قدرت دیگر (قدرت سخت) بیشتر است. و این همان تولد قدرت نرم در عرصه سیاست داخلی و مقررات اجتماعی است.

۴-۵. فقه و امور بین المللی (خارجی)

سیاست خارجی و امور بین المللی نیز اصول سیاسی حاکم بر روابط جامعه و حکومت اسلامی با دیگر کشورها و جوامع مسلمان و غیر مسلمان است. از منابع و متون دینی (قرآن و سنت) مسئله سیاست خارجی و روابطه با دیگر کشورها بخوبی استفاده می‌شود. آیات و روایات وجود دارد که از آن وظایف و تکالیف حاکم اسلامی و مسلمانان در مسائل سیاست خارجی و ارتباط آنان با سایر امم و مذاهب استفاده می‌گردد که برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۴-۵-۱. آیات

خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تُعْقِلُونَ (آل عمران/۱۱۸) ای اهل ایمان غیر همدینان خود را دوست صمیمی و همراز مگیرید، چرا که آنان از خلل و فساد در کار شما ذره‌ای کوتاهی نکنند، آنان همیشه مایلند که شما در رنج و سختی باشید، دشمنی شما را بر زبان خویش آشکار سازند در صورتی که آنچه در دل پنهان دارند بیش از آنست که بر زبانشان آشکار می‌شود، ما آیات خود را بر شما روشن کردیم اگر خرد و اندیشه بکار بندید.

و نیز می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ

أُولِيَاءَ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَحْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ (مانده/۵۱ و ۵۲)

ای اهل ایمان، یهود و نصاری را به دوستی خود مگیرید آنان برخی دوستدار- یا صاحب اختیار- برخی دیگرند، و هر يك از شما مؤمنان با آن‌ها دوستی کند (با ولایت آنان را بپذیرد) به حقیقت از آن‌ها خواهد بود، همانا خداوند، ستمکاران را هدایت نخواهد کرد. گروهی از کسانی که دل‌هاشان ناخوش است (منافقین) را خواهی دید که در راه دوستی آنان می‌شتابند و می‌گویند از آن می‌ترسیم که مبادا آسیبی به ما برسد، باشد که خداوند برای مسلمانان پیروزی یا امر دیگری از سوی خود پیش آرد تا آنان (منافقان) از آنچه در دل نهمان کردند پشیمان شوند.

و آیات دیگری از این قبیل که مسلمانان را از پذیرش (حاکمیت کفار) و دوستی آنان نهی فرموده است.

و در جای دیگر می‌فرماید: وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انفال/۶۱) و اگر سر تسلیم فرود آوردند با آنان با مسالمت رفتار کن و بر خداوند توکل کن که او شنوا و داناست.

پس هرگونه ارتباط و علاقه‌ای که موجب تسلط کفار بر مسلمانان شود چنانچه ما در زمان خود در جهان اسلام شاهد آن هستیم بی‌تردید در شریعت اسلام مورد نهی قرار گرفته و خداوند سبحان همواره مسلمانان را به جهاد و مبارزه با کفار و منافقین و سخت گرفتن بر آنان و تجهیز نیرو برای مقابله با آنان دستور فرموده است (انفال/۶۰) و آیات و روایتهای بسیاری بر این معنی دلالت دارد.

۴-۲-۵. روایات

و در بخش سنت نیز، روایات و سیره زیاد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارند که حاکی از سیاست خارجی آن‌هاست مثلاً: مجموع مراسلات خارجی پیامبر اکرم با سلاطین، امپراطوریه‌ها، امرا و حکام زمان در سراسر جهان آن روز از جمله امپراطوری ایران و روم و... که آن‌ها را با شیوه دیپلماسی خاص و غیر معهود به

پذیرش اسلام دعوت فرموده و مجموع آن‌ها به نام (مکاتیب الرسول) مشهور است، از منابع و مآخذ بسیار مهم فقه حکومتی اسلام در بخش سیاست خارجی است (منتظری، ۱۴۰۹، ۱، ۱۳).

در میدان سیاست خارجی نیز فقه نقش بسزایی ایفا می‌کند. در واقع فقه با تبیین چارچوب‌ها و گاه مسائل گوناگون روابط و مناسبات جامعه اسلامی با دیگر جوامع، نظام سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد. در این بخش فقه، در دو قالب احکام و اصول کلی مانند قاعده نفی سبیل و مانند آن، و نیز احکام خرد مانند نجاست و یا طهارت اهل کتاب و نظایر آن، ساختار سیاست خارجی را تبیین می‌کند. ابواب و مسائل فقهی موجود از قبیل جهاد، حج، اسراء، غنائم، صلح، امان، اهل بغی، دارالحراب و دارالاسلام، دعوت از کفار، جزیه، و... از جمله مصادیق احکام و مسائل سیاسی فقه موجود و نشانه دخالت فقه در امور سیاسی و حکومتی و نقش آن در نظام سیاسی جامعه اسلامی است. فقه اسلامی بدون اجبار و تهدید، بلکه صرفاً با تبیین اصول و دستورات دینی افراد را تحت تأثیر قرار داده است. در مورد جهاد با کفار، فقه اسلامی چنان قدرت (قدرت نرم) و توانایی را دارد که با یک دستور و فتوا به جهاد، افراد مسلمان، حاضر است که تمام اموال، جان و هستی خود را در این راه فداء کنند. در مورد اسراء، و رفتار با آنان، هر غیر مسلمان منصف، اگر دستورات فقه اسلامی را ملاحظه کند مجذوب اسلام خواهد شد. فقه اسلامی بالاترین رأفت را در حق اسراء جنگی دارد و این امر در طول تاریخ از صدر اسلام بوده و فقها نیز به آن فتوا داده‌اند. امیر المؤمنین علیه السلام در زمان حکومت‌شان به عنوان یک حاکم اسلام چنین دستور می‌داد که: *قَالَ لَا تَقْتُلُوا الْأَسْرَاءَ وَلَا تَجْهَرُوا عَلَى جَرِيحٍ وَلَا تَسْبَعُوا مُؤَلِّيًّا وَمَنْ أَلْفَى سِلَاحَهُ فَهُوَ آمِنٌ وَمَنْ أَعْلَقَ بَابَهُ فَهُوَ آمِنٌ* (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱، ۳۲، ۲۱۰)

اسیران را نکشید و زخم خورده را از پا در نیاورید، گریخته را تعقیب نکنید، و هر کس سلاحش را بزمین گذارد در امان است، و هر کس به خانه خود رود و درب را ببندد در امان است. این شیوه برخورد با اسراء جنگی چنان تأثیر بر دشمن می‌گذارد که دشمنان کینه توز مثل معاویه را به تسلیم وا می‌دارند. *لَمَّا أَسَرَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْرَى يَوْمَ صِفِّينَ فَخَلَّى سَبِيلَهُمْ أَنْتَا مُعَاوِيَةَ وَقَدْ كَانَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ يَقُولُ لِأَسْرَى*

أَسْرَهُمْ مُعَاوِيَةَ: اِقْتُلُهُمْ، فَمَا شَعَرُوا إِلَّا بِأَسْرَاهُمْ قَدْ خَلَى سَبِيلَهُمْ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: يَا عَمْرُو لَوْ أَطَعْنَاكَ فِي هَؤُلَاءِ الْأَسْرَى لَوْفَعْنَا فِي قَبِيحٍ مِنَ الْأَمْرِ، أَلَا تَرَى قَدْ خَلَى سَبِيلَ أَسْرَانَا فَأَمَرَ بِتَخْلِيَةِ مَنْ فِي يَدَيْهِ مِنْ أَسْرَى عَلِيٍّ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۷، ۳۹)

شعبی نقل می‌کند: هنگامی که علی علیه السلام تعدادی از سربازان شام را اسیر کرد، پس از مدتی آن‌ها را آزاد ساخت و آن‌ها پیش معاویه رفتند. (از طرف دیگر)، عمرو عاص درباره اسیرانی که معاویه به اسارت گرفته بود می‌گفت: آن‌ها را بکش. وقتی علی علیه السلام اسیران سپاه شام را آزاد کرد. معاویه خطاب به عمرو عاص گفت: ای عمرو، اگر بنا به خواسته تو ما اسرای علی را می‌کشیم [نزد مردم] ضایع می‌شدیم، مگر نمی‌بینی که علی اسرای ما را آزاد کرده است. پس معاویه دستور داد سربازانی را که از سپاه علی علیه السلام در نزدشان اسیر بودند، آزاد کردند. این همان قدرت نرمی است که فقه و دستورات فقهی ایجاد می‌کند و دلها و قلوب مردم را بدون اجبار و تهدید، تسخیر و مجذوب خود می‌کند.

۵-۵. فقه و نظام اقتصادی

اقتصاد یکی از مسائل مهم دنیا و جوامع امروزی است، اهمیت اقتصاد به حدی است که استقلال سیاسی کشورها، پیشرفتهای علمی و فرهنگی وابسته به آن است. زندگی اجتماعی انسان‌ها بدون یک نظام اقتصادی شکوفا و رشد یافته، بسی دشوار است. و همواره اقتصاد بیمار و فقدان یک نظام اقتصادی قوی، زمینه را برای نابودی ارزش‌های اخلاقی و حاکمیت فساد و فحشاء و جرم و جنایت مهیا می‌کند. اصولاً پیمودن مسیر تکامل و رسیدن به کمال مطلوب برای یک تمدن، بدون مهیا بودن نظام اقتصادی مستحکم غیرممکن به نظر می‌رسد.

فقه پویایی اسلامی، از این امر غافل نموده، بلکه به نظام معیشتی و اقتصادی جامعه توجهی ویژه دارد. یکی از کارهای عمده فقه در این زمینه، جعل قوانین و مقررات و نیز راهکارهای اجرایی آن‌ها، برای مدیریت امور معیشتی و اقتصادی جامعه است. امر و نهی‌های فقه اسلامی در ابواب فقهی مختلف مربوط به امور اقتصادی و تجاری از قبیل تجارات، معاملات، عقود و ایقاعات از این دست است.

در واقع این بخش‌ها از فقه اسلامی، در قالب اقتصاد تشریحی ارائه شده است. در کتب فقهی ریزترین مسائل اقتصادی و تجاری در قالب مستحبات و مکروهات بیان شده است. مثلاً در معاملات در کتب فقهی آمده است که: از مستحبات آن است که: اگر کسی در خرید و فروش پشیمان و درخواست بهم زدن آن را کرد، قبول کند. و (یکی دیگر) از مستحبات آن است که: در قیمت، بین خریداران همانند عمل کند، که فرقی میان کسی که چانه می‌زند و غیر او نگذارد که قیمت را برای اولی (که چانه زده) کم و برای دومی زیاد کند. و نیز دارد: از مستحبات آن است که جنس را برای خود خشک تحویل گیرد و (بدیگران) چرب بدهد. و از مکروهات معامله این است که فروشنده اموال و کالای خود را تعریف کند و وقتی که می‌خواهد جنسی را بخرد آن را مذمت کند. (خمینی، ۱۴۲۵، ۲، ۳۵۷) این‌ها ظرافت‌ها و جزئیات بسیار ریزی مسائل اقتصادی و تجاری می‌باشد، که در هیچ نظام اقتصادی دنیا به این زیبایی بیان نشده است. و همچنین در موارد که جنس و کالا، بخاصر حوادث و مشکلات اقتصادی در بازار کمیاب است و افراد سود جو می‌خواهند با احتکار و پنهان کردن اموال در انتظار گران شدن قیمت باشند، فقه وارد عرصه می‌شود و با حکم به حرمت احتکار، جلوی سود جویهای نا عادلانه را می‌گیرد تا به افراد کم درآمد جامعه آسیب و زیان وارد نشود. (همان، ۳۵۹).

و از طرف دیگر، در کتب فقهی قواعد مانند قاعده ید، سلطنت، صحت و سوق مسلمین، لاضرر و... از جمله مسائل کلان اقتصادی فقه اسلامی می‌باشد، که بصورت جزئی و دقیق در فقه و در میان فتاوایی فقها ذکر شده است. و این امر حاکی از توجه و عنایت فقه اسلامی به امور اقتصادی و معیشتی افراد جامعه است که با توجه و رعایت این دستورات فقهی می‌توان از فقه در امور اقتصادی به عنوان یک قدرت بزرگ نرم، در جهان یاد نمود.

۵-۶. فقه و مسائل حقوقی

محدوده و قلمرو تأثیر گذاری فقه بر افراد، منحصر به موارد فوق الذکر نمی‌باشد، بلکه فقه اسلامی موارد دیگری را که در نظام فردی و اجتماعی افراد دخالت دارد

نیز در بر می‌گیرد، از قبیل حقوق اساسی، حقوق اداری و حقوق کار و... مسائل حقوق اداری اکثراً بحث از قوانین شکلی و اجرایی است و قاعدتاً در بخشهایی از فقه سیاسی و در قالب وظایف مستخدمین دولت، عزل و نصب امراء و وزراء مطرح است. اموال دولت و معاملات دولتی از دیگر موارد دخالت فقه در حقوق اداری می‌باشد. در فقه سیاسی در مورد اختیارات ولی فقیه می‌گویند: قاضی باید به رأی او نصب و به رأی او عزل شود. عزل و نصب قضات و حکام و ائمة جمعه باید بدست او باشد. مشاورین، وزراء، حکام و ولات را او باید تعیین نموده و به شهرها بفرستد. و بر همه آنان لازم است که تمامی امورات خود را به او گزارش بدهند (حسینی، ۱۴۲۱، ۳۲۲). و در مورد وظایف هر یک از متصدریان حکومت، فقها فرموده‌اند: حاکم اسلامی و همه متصدیان جامعه اسلامی به میزان اختیاراتی که دارا می‌باشند در برابر مردم پاسخگو هستند (منتظری، ۱۴۰۹، ۸، ۲۶۴) و یا در مورد استفاده شخصی از اموال دولتی خارج از مقررات ادراست و نهادها، فقها فرموده‌اند که جایز نیست و موجب ضمان می‌شود (خمینی، ۱۴۲۲، ۳، ۴۹۹، خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ۴۸۰، بهجت، ۱۴۲۸، ۴، ۳۲۶).

از این رو، فقه پویای اسلامی با توجه و دقت که در امور حکومتی و ادراست نموده است، ضمن بیان حقوق هر کدام از افراد جامعه، مسؤلیت آنان را در قبال وظایف که دارند متذکر شده، و در این میان فرق میان عالی‌ترین مقام (ولی فقیه) و پایین‌ترین آنان، قائل نشده است. و این امر، هر ناظر منصف را جذب و به تحسین و امی‌دارد، و این خود تولید و ایجاد قدرت نرم توسط فقه در بخش حکومتی و ادراست است. و همچنین فقه اسلامی در باب حقوق کار، مانند: جبران خسارت، ایفای تعهد، اصل حاکمیت اراده و... منشاء فقهی داشته و فقها در مورد هر یک از آن‌ها به تفصیل سخن رانده‌اند. وجود مباحثی از این دست در فقه، نشانه قدرت و استحکام نظام فقهی است و دقت فقه و تفصیل هر یک از قواعد، مجموعه‌ای عظیم را فراهم کرده است. به هر حال فقه در آن زمینه دست کمی از حقوق ندارد، لذا جدای از نگرش فردگرایانه فقه موجود و طرفداری خواسته یا ناخواسته فقها از مکتب اصالت فرد، این قسمت از حقوق و فقه دارای محورهای مشترک زیادی هستند.

و در مورد حقوق جزاء نیز، فقه اسلامی مباحث فراوانی در کتب فضا، حدود و

قصاص، مباحث تعزیرات و کتاب شهادت و اقرار آمده است که در مجموع برای کشورهای اسلامی قوانین جزای اسلامی را فراهم آورده است. گستردگی قوانین جزایی در اسلام، منجر به این شده که دیگر نظام‌های حقوقی مواضع متفاوتی را در قبال این بخش از احکام فقهی داشته باشند (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ۵۴).

فقه و نظام تربیتی

نظام تربیتی، یکی از نظام‌های اساسی در زندگی اجتماعی انسان هاست که زمینه ساز موفقیت انسان در ابعاد مختلف می‌باشد. به همین خاطر این نظام از جمله سازه‌های مهم تمدنی به شمار آمده و نقش مهمی را در جغرافیای تمدن به خود اختصاص داده است. فقه به عنوان برنامه عملی زندگی آدمی، یکی از مهم‌ترین اهداف خود را تربیت انسانی و الهی آحاد جامعه قرار داده است. چنانچه که هدف مربی از تربیت متربی در کنار پرورش و شکوفایی استعدادهاى نهفته در وجود او، پرورش و رشد ابعاد جسمانی، روحانی، اجتماعی و... متربی نیز می‌باشد، فقه اسلامی در ابواب تحت عنوان اطعمه و اشربه، صید و ذباحت و... به تربیت جسمانی و در ابواب صوم، صلوٰه، حج، اعتکاف و... به تربیت روحانی - روانی و در ابواب نکاح طلاق به تربیت خانوادگی، و در ابواب معاملات به تربیت اجتماعی و اقتصادی توجه نموده است. این توجه همه جانبه و فراگیر فقه، حاکی از اهمیت و قدرت فقه اسلامی در جهات فوق است که رعایت و کاربردی کردن آن‌ها توسط افراد، هر کدام می‌تواند زمینه ساز تولید قدرت نرم در جامعه و جهان باشد.

۶. نتیجه گیری

چنانچه بیان شد، قدرت نرم با ویژگیها و مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی شکل می‌گیرد. این ویژگیها بخاطر سنتی بودن، فراگیر بودن، به هنگام بودن و انعطاف‌پذیری که دارند باعث نفوذ و سیطره بر دیگران و جلب قلوب و افکار آنان می‌شود. اگر ملت و کشوری در امور فوق پیشرفت کند، او در واقع تولید قدرت نرم کرده است، و از این طریق بر بقیه کشورها حکومت می‌کند و آن‌ها را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می‌دهد.

و در این میان فقه اسلامی که میراث گرانقدر هزارساله شیعه است، با اتصال به منبع وحیانی که دارد، علاوه بر دارا بودن ویژگیهای فوق، از ویژگیها و ظرفیت‌های فراوان دیگر در عرصه‌های، تربیتی، اقتصادی، حقوقی و... نیز برخوردار است. چنین فقه پویا که برای تمام زندگی انسان‌ها، از حین انعقاد نطفه تا بعد از مرگ برنامه دارد، و در هر شرایط آماده پاسخگویی به نیازهای جامعه بشری می‌باشد، حال در شرایط موجود که صحبت از قدرت نرم و تسخیر افکار و قلوب افراد است، فقه اسلامی نیز به عنوان یک منبع غنی قدرت فرهنگی (قدرت نرم) پا به میدان گذاشته و در زمینه‌های متعدد به ایجاد و تولید قدرت نرم می‌پردازد. از این رو، با توجه به تعریف که از قدرت نرم ارائه شده که: قدرت نرم، رفتار توأم با جذابیت قابل رؤیت، اما غیر محسوس، و شیوه‌ای است برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون اجبار و تهدید، فقه اسلامی می‌تواند در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی، حقوقی و... تولید قدرت کند.

۷. منابع

- ۱- قران کریم، ترجمه، مکارم شیرازی.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات تهذیب.
- ۳- ابراهیم مصطفی و همکاران (۱۴۲۶) المعجم الوسیط، ناشر: تهران، مؤسسه الصادق للطباعة و النشر.
- ۴- اصغریان کاری، زینب (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۷)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی بسیج)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۶- الماسی، محمد حسین (۱۳۸۸) ماهیت و عناصر قدرت نرم، تهران، نشر ساقی.
- ۷- بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸)، استفتاءات، ناشر: قم، دفتر حضرت آیه الله بهجت.

۸- بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، چ دوم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)

۹- پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲) نهج الفصاحة، ناشر: تهرتان، دنیای دانش.

۱۰- پور احمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب.

۱۱- تئاجیک، محمدرضا، «جنبش دانشجویی و سیاست فرهنگی» (دی ۸۶)، آئین، ش ۱۰.

۱۲- تهرانی حسینی، سید محمد حسین (۱۴۲۱) ولایت فقیه در حکومت اسلام، ناشر: مشهد، انتشارات علامه طباطبایی.

۱۳- تبریزی، جواد، استفتاءات جدید.

۱۴- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۸) صحاح اللّغة، ناشر: بیروت، دارالمعرفة.

۱۵- خانی، محمدحسن، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها» (پاییز و زمستان ۱۳۸۲)، دانش سیاسی، ش ۲.

۱۶- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۴) أجوبة الاستفتاءات، ناشر: دفتر معظم له در قم.

۱۷- حسینی، علی، www.irdc

۱۸- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲) استفتاءات، ناشر: قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۹- خمینی، روح الله، (۱۳۸۱) صحیفه امام (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲۰- خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۶) کلمات قصار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

۲۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲) مفردات الفاظ القرآن، ناشر: بیروت، دارالعلم.

۲۲- سبزواری، عباسعلی: پارادایم فقه حکومتی، ماهنامه معرفت، ش ۱۶۸، آذر

۱۳۹۰.

۲۳- شیلر، هربرت (۱۳۷۷) وسایل ارتباطی جمعی و امپراتوری امریکا، ترجمه احمد عابدینی تهران: نشر سروش.

۲۴- صاحب معالم، العاملی، حسن بن زین الدین (۱۳۶۴) معالم الدین فی الاصول، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.

۲۵- فیروز آبادی. محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹) القاموس المحيط، ناشر: بیروت، دارالمعرفة.

۲۶- کلیدری، سایت www.psyop.ir

۲۷- گلیپایگانی، لطف الله صافی (۱۴۱۷) جامع الاحکام، قم، ناشر: انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها.

۲۸- لنکرانی، محمد (بی تا) جامع المسائل، ناشر: قم، انتشارات امیر قلم.

۲۹- منتظری، حسینعلی: مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، چاپ اول، تهران، کیهان.

۳۰- منتظری، حسینعلی، رساله استفتاءات، قم.

۳۱- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) بحار الأنوار، ناشر: بیروت، دار إحياء التراث العربي.

۳۲- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷) استفتاءات جدید، ناشر: قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۳۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵) دایرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۳۴- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸) مقدمه علم حقوق، تهران، بهنشر، چاپ دهم.

۳۵- میلسن ژان و همکاران (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، چ دوم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)

۳۶- نای، جوزف، (۱۳۸۲) کاربرد قدرت نرم، ترجمه سید رضا میرطاهرناشر: تهران، نشر قومس.

۳۷- نایینی، علی محمد (۱۳۹۱)، اصول و مبانی جنگ نرم. تهران، نشر ساقی.

Nasim Kowsar

Scientific Quarterly



- Analyzing retribution as a repressive criminal policy of Islam, in reducing crime
- Analyzing the executive policy of Islam in the crime of theft
- The capacity of jurisprudence in the birth of soft power
- Non-cancellation of lease in case of death of one of the lessees
- Comparison of the embodiment of deeds in the thought of Molavi and Mulla Sadra
- Duties of a man towards his wife in the Qur'an and hadiths
- Communication with Imam Zaman (AS) in the age of occultation